

## جایگاه نظامی - امنیتی ارگ علیشاه تبریز در دوران صفوی و قاجار و نحوه‌ی دگرگونی کارکردی و معنایی مجموعه‌ی بنا

فرزاد فیضی<sup>۱</sup>، حبیب شهبازی شیران<sup>۲</sup> و سارا صادقی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

### چکیده

مطالعه معماری نظامی دوران صفوی و به‌ویژه قاجاری با کاستی روبه‌رو بوده و چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. بسیاری از آثار معماری، با گذر زمان و در دوره‌های بعد با تغییرات کارکردی، مفاهیم جدید به خود گرفته و ماهیتی نو می‌یابند. ارگ علیشاه تبریز، بنای سترگ ایلخانی، نمونه بارز این گونه بناهاست که در دوران صفوی و قاجاری در پی تغییرات بافتاری حادث گشته، کاربری نظامی یافته است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که جایگاه نظامی و امنیتی ارگ علیشاه در ساختار فضایی تبریز دوران صفوی و قاجاری به چه نحوی بوده و تغییرات بافتاری دوران جدید، چه دگرگونی‌های معنایی در ارگ ایجاد کرده است؟ روش تحقیق به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و مشاهدات بنا از نزدیک، گردآوری شده است. در تحلیل و جمع‌بندی یافته‌ها نیز از مکانیزم‌های معناشناسی استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشانگر این است که ارگ علیشاه در دوره صفویه، طبق متن سفرنامه‌ها، نقشه‌های نظامی برجای مانده و حدود حصارها و باروهای شهر، بازنمودی مجازی از قدرت نظامی و امنیتی و شیعی‌گری در مقابل عثمانی‌ها بوده و در دوره قاجار با ساخت سازه‌های جدید نظامی در آن هم-چون سربازخانه، محل‌های مخصوص تیراندازی و دیده‌بانی، کارگاه‌های اسلحه‌سازی و توپ‌ریزی و کوره‌های آهنگری، به نماد و نشان مقاومت و دفاع ملی در برابر حملات روسیه‌ی تزاری تبدیل گشته است.

**کلید واژه‌ها:** معماری نظامی، دوران صفوی و قاجاری، ارگ علیشاه، معناشناسی.

**استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)**

فیضی، فرزاد؛ شهبازی شیران، حبیب؛ صادقی، سارا (۱۴۰۱). «جایگاه نظامی - امنیتی ارگ علیشاه تبریز در دوران صفوی و قاجار و نحوه‌ی دگرگونی کارکردی و معنایی مجموعه‌ی بنا». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، صص ۴۲-۱۵.

<sup>۱</sup> نویسنده‌مسئول، دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. ایمیل: farzadfezy92@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. ایمیل: habibshahbazi35@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. ایمیل: s\_sadeghi809@yahoo.com

به استناد استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با راجیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

بسیاری از آثار معماری در گذر زمان و در پیچ‌وتاب تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و موقعیتی، دگرگونی‌های معنایی فراوانی را تجربه کرده، بسیاری از مفاهیم گذشته را از دست می‌دهند و بار معنایی جدیدی به خود می‌گیرند (ساسانی، ۱۳۸۹: ۶۸ - ۸۰). هر متن<sup>۱</sup>، نظامی از نشانه‌های سازمان‌یافته بر طبق رمزگان<sup>۲</sup> و زیر رمزگانی است که بازتابی از ارزش‌ها، گرایش‌ها، باورها و کنش‌های معین می‌باشد (چندلر، ۱۳۹۷: ۲۳۴). از متن به‌عنوان تعبیری فراگیر و دربرگیرنده‌ی تمام آثار کلامی و هنری (دیداری - حجمی مانند بنا) و غیر هنری و غیر کلامی استفاده می‌شود (سجودی، ۱۳۹۷: ۸۰) به بیانی ساده می‌توان گفت آنچه متن (در این پژوهش ارگ علیشاه) را در برمی‌گیرد، بافت<sup>۳</sup> است. بافت زمانی - مکانی در زمان تولید اثر، شهر تبریز به‌عنوان پایتخت ایلخانان مغول بود که به‌مرور زمان دچار تحولات و بافت‌گردانی شده است. به‌طوری‌که در دوان صفوی و قاجار ارگ در بافت‌هایی کاملاً نو قرار می‌گیرد. کارکرد هر متن (ارگ علیشاه) نه‌تنها بر اساس سازه‌ها و روابط درونی آن‌ها، بلکه بر اساس روابط میان آن متن با بافت دربرگیرنده‌اش و متون (آثار معماری) دیگر مشخص می‌شود. بافت را می‌توان در سطح کلان‌تری در نظر گرفت که از سوی جغرافیایی بزرگ‌تر از مکان و موقعیت بلافصل را در برمی‌گیرد و از سوی دیگر سپهری گسترده‌تر از فضای موجود را در خود دارد و به‌نوعی با فرهنگ حاکم بر آن شرایط است که می‌توان از آن به نام بافت اجتماعی - فرهنگی یاد کرد (ساسانی، ۱۳۸۹: ۸۰).

با این توضیحات ارگ علیشاه (تاریخ ساخت ۷۱۶ - ۷۲۴ ه.ق) بنای سترگ ایلخانی در شهر تبریز از زمان ساخت آن در سده هشتم هجری و پایتختی تبریز تا دوران معاصر، آبستن اتفاقات و رخدادهای بزرگ بوده و بازتابنده‌ی دگرگونی‌های نظامی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متفاوتی است. بدین ترتیب در دوره‌های مختلف بر بار معنای تداعی‌گونه و گاه دلالت‌گونه آن افزوده شده و وضعیت معنایی پیچیده‌تری به خود گرفته است. در این‌بین در دوران صفوی (۹۰۷ - ۱۱۳۵ ق) و قاجار (۱۲۰۹ - ۱۳۴۴ ه.ق) کارکردهای نظامی و انتظامی یافته و تحت عنوان ارگ / قلعه قلمداد شده است (محمدتقی سپهر، ج ۱، ۱۳۳۷: ۵۷). این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه معناکاوی اجتماعی است تا از این طریق کارکردها و معانی جدید نظامی و انتظامی ارگ علیشاه، این بنای شاهانه‌ی دوره ایلخانی را در بافتی جدید (دوران صفوی و قاجاری) نمایان سازد. شهر تبریز تا سال ۹۶۲ ه.ق یعنی اواسط حکومت شاه طهماسب صفوی پایتخت و تا اواخر این حکومت به‌عنوان دومین شهر مهم ایران، دارای جایگاه مهم سیاسی، اقتصادی و نظامی بوده است. تبریز در دوره قاجار نیز لقب دارالسلطنه را حفظ کرده و به‌عنوان ولیعهد نشین، دومین شهر مهم ایران پس از تهران بوده است. حملات عثمانی‌ها در دوره صفوی و روس‌ها در دوره قاجار و زمین‌لرزه‌های

1. Text

2. Codes

3. Context

سده‌های اخیر (ذکاء، ۱۳۵۹: ۱۴۹)، باعث تخریب و نابودی ساختار فضایی شهر تبریز در دوره‌های گذشته شده، به طوری که بازنمایی فضاهای نظامی شهر در دو دوره مزبور به سختی امکان‌پذیر است. از این رو ارگ علیشاه که از زمان ساخت آن در دوره ایلخانی تا دوره قاجار همواره در بطن تحولات سیاسی و نظامی تبریز و بعضاً ایران بوده و تا حدود زیادی فضاها و سازه‌های آن به مدد نتایج حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی و اسناد تاریخی قابل‌شناسایی می‌باشد، نمونه‌ی مناسبی برای مطالعه کنش‌ها و تحولات معنایی یک بنا به تبعیت از تغییرات ایجاد شده در بافت پیرامونی آن می‌باشد. هدف پژوهش، مطالعه جایگاه نظامی و امنیتی ارگ علیشاه تبریز در طی جنگ‌های ایران با عثمانی و روسیه در دو دوره صفوی و قاجار و کنش‌های معنایی مابین حوادث این دوران می‌باشد. نگارندگان در پژوهش حاضر، علاوه بر استفاده از مدارک تاریخی در باب ارگ علیشاه، از داده‌های باستان‌شناسی و بررسی سازه‌های افزوده‌شده‌ی صفوی و قاجاری به ارگ دوره ایلخانی یاری گرفته و در پی جویی و مطالعه مفاهیم نظامی‌گری، از مبانی نظری معناشناسی بهره‌جسته‌اند.

علی‌رغم انجام پژوهش‌های نسبتاً زیاد پیرامون ارگ علیشاه، هنوز ابهامات چندی در زمینه کارکردهای جدید ارگ در دوران صفوی و قاجاری وجود دارد. همچنین استفاده از رویکردهای معناشناسی در بازنمایی مظاهر نظامی‌گری و امنیتی این بنا در دوران مزبور، نوآوری تحقیق محسوب می‌شود. بدین ترتیب نویسندگان درصدد هستند با تحلیل منابع دست‌اول تاریخی و استفاده از منابع موثق تحقیقی و با تکیه بر داده‌های باستان‌شناختی و اسنادی به سؤالات زیر پاسخ دهند:

۱. جایگاه نظامی - امنیتی ارگ علیشاه در ساختار فضایی تبریز دوره صفوی و ایلخانی به چه صورت بوده است؟

۲. با توجه با تغییرات بافتاری (سیاسی، نظامی، فرهنگی، موقعیتی و ...) به وجود آمده در دوره صفوی و قاجار، بنای ایلخانی ارگ علیشاه چه دگرگونی‌های معنایی داشته و مظاهر جدید نظامی-گری در آن به نحوی نمود یافته است؟

## ۲. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد نظری و به شیوه توصیفی - تحلیلی است. گردآوری داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و بررسی‌ها و مشاهدات بنا از نزدیک بوده است. در تحلیل داده‌ها و جهت رسیدن به سؤالات اصلی پژوهش پیرامون مفاهیم و معانی نظامی‌گری و جایگاه امنیتی بنا در دوران مورد مطالعه، از رویکردها و مبانی معناشناسی که در بسیاری موارد همپوشانی‌های زیادی با روش نشانه‌شناسی دارد، استفاده شده است.

### ۳. پیشینه پژوهش

تقریباً تمامی مطالعات در مورد ارگ علیشاه پیرامون عناصر معماری و بازشناسی سیمای کلی این بنا در دوره ایلخانی بوده و کاستی‌های زیادی در ارتباط با فضاها، سازه‌ها، کارکردها و مفاهیم نظامی این مجموعه در سلسله‌های پس از دوران ایلخانی وجود دارد. منظور از مفاهیم، پژوهشی منسجم با کاربست رویکردهای معناشناسانه برای نیل به معانی ضمنی و ثانوی نظامی در این بنا در بافت‌های جدید زمانی، فرهنگی و موقعیتی است. برخی محققان همچون دونالد ویلبر و آرتور اپهام پوپ، ارگ علیشاه را همان مسجد تاج‌الدین علیشاه وزیر اولجایتو می‌دانند؛ پوپ (Pope, 1969) بر اساس اسناد تاریخی و با غفلت از ابعاد بنا، تزئینات و مباحث استاتیک ارگ، آن را همان خرابه‌های مسجد جامع علیشاه معرفی می‌کند و دونالد ویلبر (ویلبر، ۱۳۶۵) در کتاب «معماری اسلامی ایران در دوران ایلخانان» به معرفی کوتاه این اثر پرداخته و آن را همان مسجد جامع علیشاه دانسته است.

جعفر غیائی (Qiyasi, 1997) رساله‌ی خود را در باب ارگ علیشاه تبریز به رشته تحریر درآورده و به معرفی عناصر مختلف معماری و فضاسازی‌ها و بازشناسی بخش‌های مختلف مجموعه پرداخته است.

بهرام آجرلو (آجرلو، ۱۳۸۰) در پایان‌نامه کارشناسی‌اش به پژوهش در معماری ایلخانی با مطالعه موردی ارگ علیشاه پرداخته و سعی در اثبات مسجد نبودن بخش‌های باقی‌مانده‌ی ارگ کرده و در مقاله‌ای دیگر حذف الحاقات قاجاری ارگ علیشاه به شیوه پاکسازی سبکی را مورد انتقاد قرار داده است (آجرلو، ۱۳۹۲).

مرادی و عمرانی (۱۳۹۵) ارگ علیشاه را در ادامه جنبش بزرگ‌مقیاس‌سازی مجموعه‌های معماری در دوره ایلخانی می‌دانند و تاق آجری و گنبد خانه سرپوشیده آن را بزرگ‌ترین نمونه در جهان اسلام معرفی می‌کنند.

منصوری و آجرلو (۱۳۸۱) در مقاله «بازشناسی ارگ علیشاه تبریز و کاربرد اصلی آن» به این نتیجه رسیده‌اند که این بنا نمی‌تواند بقایای مسجد علیشاه باشد، بلکه در اصل نتیجه‌ی الحاق دو بنای جداگانه است که بنا بر نتایج کاوش‌های باستان‌شناسی، تکمیل نشده است.

علی‌اکبر سرفراز (۱۳۶۱) به کاوش در محوطه شمالی ارگ تبریز پرداخت و طی آن مشخص شد که بقایای موجود ارگ علیشاه تبریز مربوط به بخش‌های اضافه‌شده به آرامگاه نیمه‌تمام تاج‌الدین علیشاه وزیر می‌باشد و مسجد علیشاه که بخش قدیمی مجموعه بوده در قسمت شمال قرار داشته و آثاری از آن تا به امروز باقی نمانده است. همچنین طی این کاوش‌ها بقایا و سازه‌های الحاقی از دوره قاجار کشف شد.

#### ۴. مبانی نظری؛ مروری بر مفاهیم معناشناسی و کاربرد آن در معماری

در معناشناسی<sup>۱</sup> و نشانه‌شناسی<sup>۲</sup> برای واژه‌ی «معنی» معمولاً از واژه‌ی *Sense* به *Meaning* استفاده می‌کنند؛ و آن چیزی است که به صورت روانی، تاریخی و اجتماعی برمی‌انگیزد و هم‌زمان به سه مسئله‌ی «فرآیند»، «تولید» و «تفسیر» اشاره می‌کند (گیرو، ۱۳۹۹: ۲۸ و ۲۹). نشانه‌شناسی مطالعه‌ی پدیده‌ها بر پایه‌ی روابط دلالتی است که به آفرینش و تولید معنا می‌پردازد (Johansen, 2002: 51). بر پایه‌ی دانش نشانه‌شناسی هر اثری از جمله یک بنای معماری به مثابه یک متن است که خواندن آن عبارت است از «تأویل»<sup>۳</sup> نشانه‌های آن توسط کاربر فضا. از این منظر معماری نیز نوعی زبان است (شولتز، ۱۳۸۷: ۵۱). در بررسی معناشناسی، چهار عامل «متن»، «تولیدکننده متن» (در مقام مؤلف و سازنده اثر)، «بافت» زمانی - مکانی که هم بافت بلافصل و هم بافت کلان و عبارتی فرهنگ را در برمی‌گیرد و «خوانشگر» که شامل خواننده، بیننده و هر مخاطبی می‌شود، در شکل‌گیری هر خوانش و معنا تأثیرگذارند (چندلر، ۱۳۹۷: ۲۳۴؛ ساسانی، ۱۳۸۹: ۸۰؛ سجودی، ۱۳۹۷: ۸۰).

در چهارچوب نشانه‌شناسی لایه‌ای<sup>۴</sup>، متن از لایه‌های متعددی تشکیل شده و معنا نیز حاصل برهم‌کنش میان لایه‌های متنی، رمزگان‌ها و ... است (سجودی، ۱۳۹۸: ۱۵۸). در نشانه‌شناسی لایه‌ای از دو طریق می‌توان به خوانش متن و کشف لایه‌های معنایی راه یافت؛ نخست روابط درون‌متنی<sup>۵</sup> که روشی برای تفسیر متن با توجه به نشانگان‌ها و رمزگان‌های موجود در خود متن است (صفوی، ۱۳۹۷: ۶۱) و دوم روابط بینامتنی که در آن به نحوه‌ی انعکاس و تأثیر متون (آثار معماری در این‌جا) در یکدیگر توجه می‌شود (گراهام، ۱۳۸۵: ۲۲). ترکیب و ترتیب عناصر سازنده یک متن نیز عبارت‌اند از روابط «همنشینی»<sup>۶</sup> و روابط «جانشینی»<sup>۷</sup>. روابط هم‌نشینی چگونگی قرار گرفتن عناصر کنار هم و روابط جانشینی چگونگی جایگزینی عناصر به‌جای هم است. (چندلر، ۱۳۹۷: ۱۲۷). نمودار ۱ ابعاد دلالتی مختلف یک متن (در اینجا ارگ علیشاه) را نشان می‌دهد.

1. Semantics

2. Semiologie

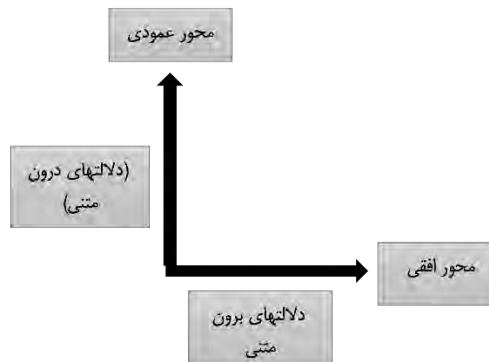
3. Hermeneutics

4. Layered Semiology

5. Innertextual

6. Syntagmatic

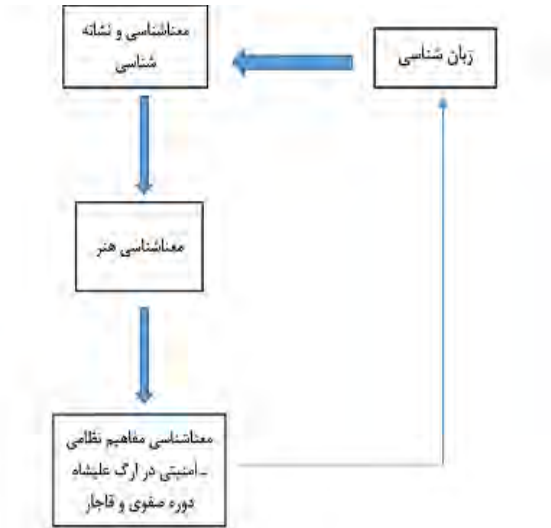
7. Paradigmatic



نمودار ۱: ابعاد مختلف دلالتی و معنایی ارگ علیشاه در پژوهش حاضر (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰)

امبرتو اکو از نویسندگانی است که به کاربرد نشانه‌شناسی در معماری پرداخته و در آثار خود بیشتر از بعد فرهنگی و ابزار ارتباطی به آثار معماری توجه نموده است (Eco, 1979: 7). موریس تحت تأثیر زبان‌شناسان از جمله پیرس نشانه‌شناسی در معماری را در سه جنبه‌ی اصلی کاربردی (پراگماتیک)، معناشناسی و نحوی مورد مطالعه قرار داده و در مطالعه‌ی معانی نشانه‌ها در معماری به لایه‌های مختلف معنا توجه نموده است (Morris, 1971). عده‌ای نیز بازخوانی رمزگان‌های اجتماعی و زیبایی‌شناسی در معماری را بر پایه‌ی روابط بینامتنی می‌دانند که بسته به چگونگی برهمکنش لایه‌ها، این ارتباط می‌تواند بافت‌ساز یا بافت‌زدا باشد (گراهام، ۱۳۸۵: ۲۲).

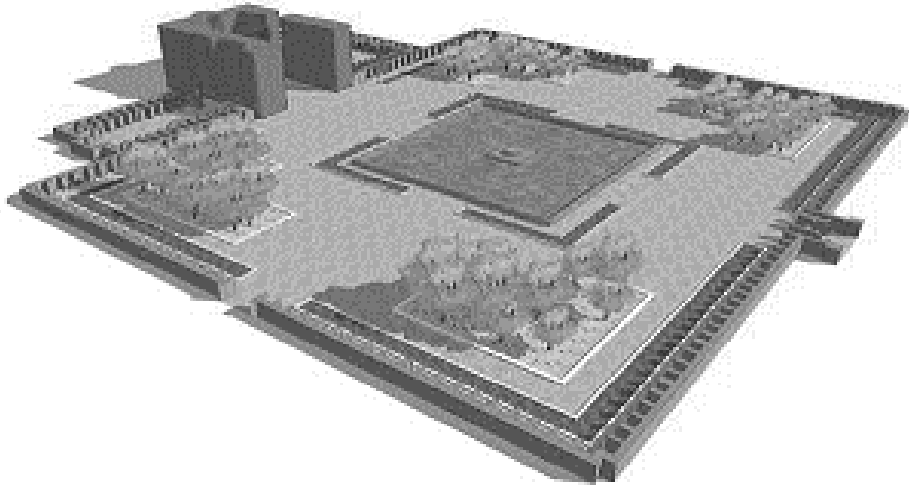
با کاربردی‌ترین روش‌های زبان‌شناسی و سپس استفاده از آن در نشانه‌شناسی هنر و معماری می‌توان در مسیر درست این روش‌شناسی حرکت کرد و خوانش درستی از معانی و مفاهیم نظامی - امنیتی ارگ علیشاه در این تحقیق به دست آورد. بحث فوق به صورت خلاصه در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است.



نمودار ۲: فرایند کاربست رویکردهای معناشناسی و نشانه‌شناسی در خوانش مفاهیم نظامی - امنیتی ارگ علیشاه (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰)

## ۵. ارگ علیشاه

ارگ علیشاه بین سال‌های ۷۱۶ تا ۷۲۴ ه.ق به وسیله تاج‌الدین علیشاه وزیر اولجایتو و ابوسعید بهادرخان ساخته شد. مجموعه تاج‌الدین علیشاه شامل مسجد جامع بزرگی بوده که طاقش از ایوان مداین بزرگ‌تر بود و طبق گفته‌ی مستوفی چون در بنای آن تعجیل کردند، فروریخت (مستوفی قزوینی، ۱۳۳۶: ۸۷). طبق گفته ابن بطوطه در سمت راست، مسجد - مدرسه و در سمت چپ آن زاویه‌ای وجود داشته و صحن آن با سنگ‌های مرمر فرش گردیده و دیوارها با کاشی پوشانده شده بود (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۲۳۳). شکوه زیاد مجموعه قطعاً به این دلیل بوده که در مرکز شهر و در مجاورت راسته اصلی بازار و مسجد جامع شهر ساخته شده و در معرض دید عموم و در بطن تحرکات اجتماعی و تجاری و صنعتی شهر بوده است (خیری و صدراپی، ۱۳۸۱: ۲۵ - ۲۹) (تصویر ۱).



تصویر ۱: پلان ایزومتریک (طرح سه بعدی) از مجموعه و ارگ عیشاه در دوره ایلخانی (منبع: مرادی و عمرانی، ۱۳۹۵: ۲۵)

طبق گفته‌ی مستوفی که در سال ۷۳۵ ه.ق کتاب خود را نوشته است، صفه و قسمت داخلی ارگ عیشاه از ایوان مداین بزرگ‌تر است (مستوفی قزوینی، ۱۳۳۶: ۸۷). طبق بررسی‌های باستان‌شناسی عرض دهانه‌ی ارگ ۳۰/۴ متر و طول بنا پیش از تخریب‌های قسمت‌های شمالی در دهه ۶۰ هجری شمسی بیش از ۶۵/۶ متر بود. عرض بنا نیز ۵۱/۲ متر هست. هم‌چنین ارگ عیشاه بلندترین محراب جهان اسلام را با بلندای ۳۰ متر در خود جای داده است (شکاری نیری، ۱۳۸۲: ۵۹). (تصویر ۲) با احتساب این اعداد و ارقام و مقایسه با ۳۵ متر ارتفاع، ۲۵ پهنا و ۵۰ متر طول طاق کسری (هرمان، ۱۳۸۷: ۱۴۳)، بزرگ‌تر بودن طاق ارگ عیشاه نسبت به طاق کسری محرز می‌شود. درواقع تاج‌الدین عیشاه با متمرکز کردن و هم‌نشینی عناصر نشان‌های؛ مسجد و خانقاه (قدرت مذهبی)، بناهای حکومتی و کاخ‌ها (قدرت سیاسی) و بازارها (قدرت اقتصادی) در ارگ عیشاه سعی در کمرنگ کردن عملکرد درخشان خواجه رشیدالدین و کسب مشروعیت در نزد سلطان و مردم را داشته است.



تصویر ۲: نمایی از ارگ عیشاه، تنها قسمت بازمانده از مجموعه عیشاه دوره ایلخانی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹)



## ۶. اوضاع سیاسی تبریز در دوره صفوی

در طول دوره صفوی جنگ‌های متعددی بین صفوی‌ها و عثمانی‌ها در گرفت و عثمانی‌ها توانستند چندین بار وارد تبریز شده و آن را متصرف شوند. هر چند این تصرفات چندی نمی‌پایید و ترک‌های عثمانی در اغلب موارد مجبور به عقب‌نشینی می‌شدند، اما در همین حملات، بسیاری از آثار و بناهای باقی‌مانده از دوره‌های گذشته آسیب دید و نابود شد. جنگ چالدران (۹۲۰ ه.ق) راه عثمانیان را به سمت تبریز گشود؛ سلطان سلیم بعد از یک هفته توقف در تبریز و کوچاندن هزار نفر از صنعتگران به قسطنطنیه، مجبور به عقب‌نشینی شد (مینورسکی، ۱۳۸۹: ۵۵؛ نوایی، ۱۳۸۱: ۲۵).

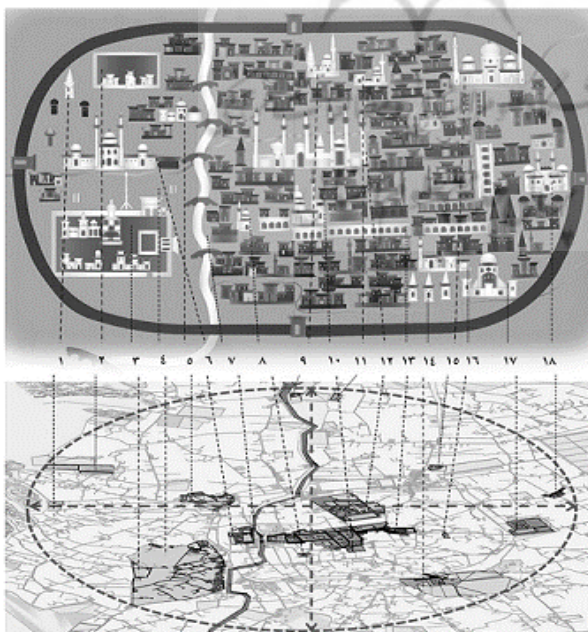
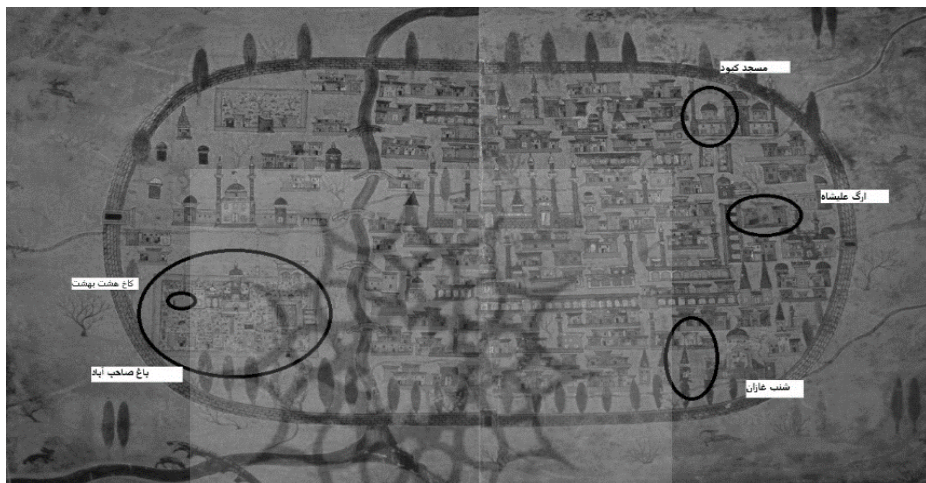
جنگ‌های ایران و عثمانی در زمان شاه‌طهماسب از سال ۹۴۰ تا ۹۶۱ ه.ق در جریان بود. در این دوره سلطان سلیمان چهار بار به ایران حمله کرد و تا حدود سلطانیه هم پیش رفت. سرانجام در سال ۹۶۹ ه.ق پیمان صلحی میان دولت‌های ایران و عثمانی بسته شد (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۲۶). در سال ۹۹۳ ه.ق عثمان پاشا وزیر اعظم سلطان مراد سوم به همراه چهل هزار سرباز به تبریز حمله کرد و تا شام غازان پیش رفت. او قلعه‌ای مربع شکل که باروی آن ۱۲۷۰۰ ذراع بود، بنا کرد. عالم‌آرا محل آن را دولت‌خانه‌ی قدیم در داخل شهر و اولیا، حوالی خیابان چرنداب نوشته است (برن، ۱۳۵۰: ۱۱۸). از سال ۹۹۸ ه.ق به بعد و در زمان جعفر پاشا حضور عثمانی‌ها در تبریز پررنگ‌تر شد؛ ایشان بناهای بسیاری در شهر تبریز احداث کردند (بلان، ۱۳۷۵: ۷۲؛ حقی، ۱۳۶۹: ۱۶۹).

در زمان شاه‌عباس اول ارتش سلطان محمد سوم از صفویان شکست خورد، قلعه‌ها و بناهای ایشان نابود گشت و شاه‌عباس مناطق از دست‌رفته را متصرف شد (منشی اسکندر بیگ، ۱۳۳۴: ۴۴۱-۴۵۱). شاه‌عباس قلعه جدیدی در نزدیکی کوه سرخاب ساخت که مصالح آن از شنب‌غازان ایلخانی تهیه شد. در این زمان ایران به وسیع‌ترین قلمرو خود در کل دوره صفویه دست یافت (آژند، ۱۳۸۰). در زمان شاه صفی، سلطان مراد چهارم با حملات خود بیشترین آسیب‌ها را به تبریز وارد کرد (غفاری قزوینی، ۱۳۴۲: ۳۸۱) در این زمان معاهده‌ای (عهدنامه قصر شیرین، ۱۰۴۹ ه.ق) بین طرفین بسته شد که تا پایان عمر دولت صفوی برقرار بود (لارودی، ۱۳۷۰: ۹۸ - ۱۰۱). بعد از تسلط افغان‌ها بر ایران، تبریز و آذربایجان بین عثمانی‌ها، افغانه، نادرشاه و کریم‌خان زند دست‌به‌دست شد و رونق گذشته خود را کاملاً از دست داد (مینورسکی، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۳؛ اشرافیان و آرون‌دا، ۱۳۵۹: ۶۶).

## ۶-۱. جایگاه نظامی - امنیتی ارگ علیشاه در دوره صفوی

گسترده‌گی شهر تبریز و عناصر مهم شهری آن در دوره صفوی از طریق توصیفات سفرنامه‌ها، منابع تاریخی و آثار معماری باقی‌مانده از آن دوره تا حدودی قابل بازنمایی است. سیاحانی چون کنتارینی (۸۷۶ ه.ق - تاریخ ورود به تبریز)، ونیزیان (۹۲۰ ه.ق)، الساندرو (۹۷۹ ه.ق)، رایت (۱۰۱۵ ه.ق)، تاورنیه (۱۰۴۱ ه.ق)، اولیاچلیبی (۱۰۵۰ ه.ق)، شاردن (۱۰۷۶ ه.ق)، کارری (۱۱۰۶ ه.ق)، ویلوت (۱۱۱۵ ه.ق) و جان بل (۱۱۲۷ ه.ق) در دوره صفوی وارد شهر تبریز شده و برخی از ایشان در

سفرنامه‌هایشان به توصیف ارگ علیشاه پرداخته‌اند. در دوره ترکمانان قره قویونلو و آق قویونلو بافت و موقعیت ارگ علیشاه تحت تأثیر دو مجموعه معماری قرار می‌گیرد؛ مجتمع مظفریه با مسجد زیبای کبود (تاریخ ساخت آن طبق کتیبه: ۸۷۰ ه.ق) و مجموعه صاحب آباد با کاخ هشت‌بهشت یعقوب. (بانی، ۱۳۸۴: ۳ - ۱۲). شخصی به نام مطراقچی در اوایل دوره صفوی از بسیاری از شهرهای ایران دیدن کرده و در کتاب خود بیان منازل، مینیاتورهایی از آن‌ها به تصویر کشیده که موثق‌ترین منبع برای مطالعه‌ی سازمان فضایی تبریز و سیمای ارگ علیشاه در این دوره می‌باشد (مطراقچی، ۱۳۷۹: ۹). این مینیاتور در جهت شمالی - جنوبی طرح شده است. طبق این مینیاتور شهر تبریز بارویی مستطیل شکل دارد و دارای چهار دروازه مهم است (تصویر ۳).



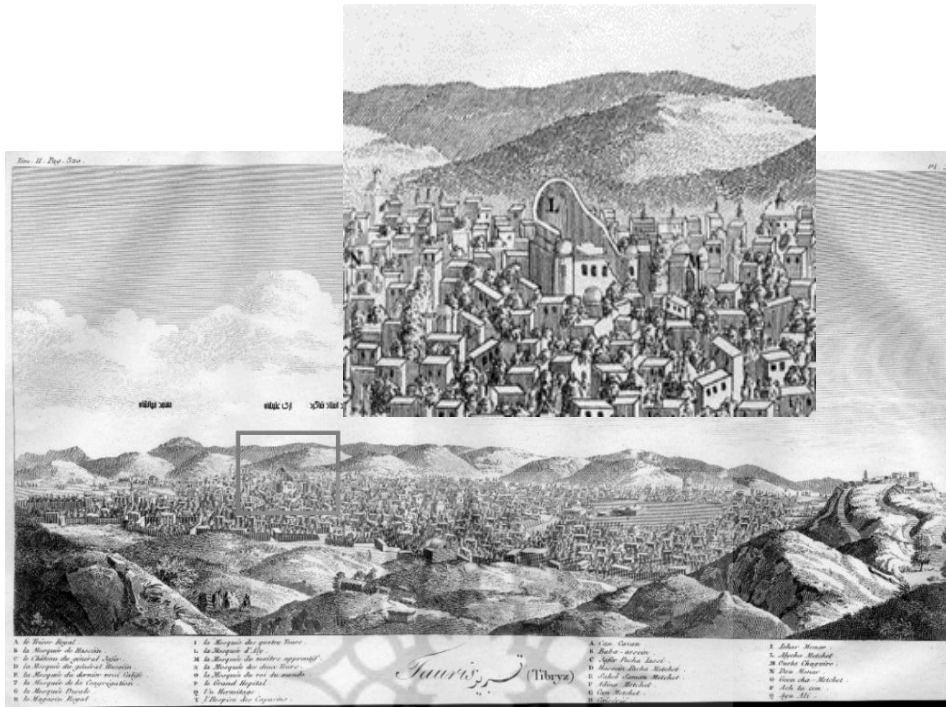
تصویر ۳: مینیاتور ترسیم‌شده از تبریز توسط مطراقچی در سال ۱۵۴۲ م در سفرنامه بیان منازل (بالا) (منبع: مطراقچی، ۱۳۷۹، ۸۷) و مکان‌یابی عناصر مهم شهری آن از طریق نقشه قاجاری ۱۲۹۷ ه.ق (سمت چپ) (منبع: بلیلان اصل، ۱۳۹۵: ۵۱)

مطرافچی که سفرنامه خود را ۱۷۰ سال پس از ساخت ارگ عیشاه نوشته، مجموعه عیشاه را بلندترین و تأثیرگذارترین بنای تبریز می‌داند که زبان از وصف آن عاجز است. همچنین او به مسجد مجموعه اشاره می‌کند که مسلمانان در آن نماز می‌خوانند (مشکور، ۱۳۵۲: ۵۰۱ - ۵۰۶). از این توصیفات مشخص می‌شود مجموعه عیشاه در این زمان همچنان آباد و باشکوه بوده و تخریبی در آن صورت نگرفته بوده است. طبق گفته خواندمیر (۸۸۰ - ۹۴۲ ه.ق) مجتمع عیشاه تا اوایل دوره صفوی آباد و دایر و مورد استفاده مردم بوده است. در مدرسه‌ی مجتمع، محصلین علوم دینی تحصیل می‌کرده‌اند و در مسجد جامع آن نماز جماعت دایر بوده است (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۶۰۹).

بازرگان ونیزی دربار اوزون حسن که در رکاب شاه اسماعیل بوده است، از کاخ‌های شگفت‌انگیز سلاطین ایلخانی مجموعه عیشاه، محراب و طاق بسیار بلند آن، ارتفاع ستون‌ها و ... سخن رانده است (کانتارینی و زونکاترینو، ۱۳۸۱: ۳۸۳). از زمان سلطنت شاه‌طهماسب، حمله عثمانی‌ها به ایران و فتح تبریز به دست سلطان سلیم و سلیمان، زمینه‌های قلعه شدن مجتمع عیشاه و تخریب قسمت‌های اعظم آن شروع می‌شود (ملکوتی، ۱۳۶۴: ۲۸۹ - ۲۸۱). پس از همین حملات پیاپی، پایتخت از این شهر به قزوین و سپس در زمان شاه‌عباس اول به اصفهان منتقل می‌شود و ارگ عیشاه به‌عنوان متن در بافت‌هایی کاملاً جدید قرار می‌گیرد. از یک سو تبریز موقعیت پایتختی خود را از دست می‌دهد و از سوی دیگر فضای دینی و فرهنگی و ایدئولوژی جدیدی بر جامعه و حکومت حاکم می‌شود که دارای ارزش‌ها و آرمان‌های کاملاً متفاوتی است. در این دوره دو عامل مهم را می‌توان از علل تخریب ارگ عیشاه نام برد: اولی اهمیت کمتر آثار پیشینیان به‌خصوص سنی مذهب مغولی نزد شیعه که عده‌ی زیادی از ایشان قلباً اسلام را نپذیرفته و یا به دلایل سیاسی به آن گرویده بودند (آرترنبول، ۱۳۹۶: ۱۱۶ - ۱۱۸؛ خلیلی، ۱۳۹۶: ۲۶۵).

البته شواهد متقنی مبنی بر تخریب عمدی ارگ در این زمان در دست نیست؛ ولی بازمانده‌های بناهای شنب‌غازان در زمان شاه‌عباس اول به دلیل جلوگیری از اقامت عثمانی‌ها در آن تخریب گشت (جنابادی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۸۲۸). دومی وقوع زمین‌لرزه‌های شدید در طی این دوره؛ در دوره صفوی حدود ۱۰ زمین‌لرزه شدید گزارش شده (ذکاء، ۱۳۵۹: ۱۴۹) که در یکی از آن‌ها در سال ۱۰۵۱ ه.ق بناهای بسیاری تخریب و در زلزله‌ی سال ۱۱۹۴ ه.ق طبق گفته منابع دویست هزار تن جان باختند (همان، ۶۲). بعد از ساخت قلعه توسط عثمانی‌ها در عهد سلطان سلیمان در سال ۹۴۱ ه.ق در شهر تبریز مجموعه عیشاه با تمام تأسیسات آن در ضلع جنوبی قلعه قرار گرفت و بخشی از آن شد (اولیا چلبی، ۱۳۳۸: ۶۹۴). در طول جنگ ایران و عثمانی مجموعه آسیب فراوان دید، به طوری که تاورنیه که در سال‌های ۱۰۴۲ تا ۱۰۷۹ ه.ق به ایران مسافرت نموده، مجموعه عیشاه را مسجد، مدرسه و قصری معرفی کرده که خراب شده و در آستانه‌ی انهدام هستند (تاورنیه، ۱۳۸۹: ۶۹). جملی کارری که در سال ۱۱۰۵ ه.ق از تبریز دیدن کرده، در توصیف بناهای تبریز از بنای بلند

سقف فروریخته‌ای موسوم به «علیشا یون طاقی» یعنی طاق علیشاه نام می‌برد که کمی دورتر از میدان وسیعی قرار دارد (کاری، ۱۳۴۸: ۳۰ - ۳۱). (تصویر ۴).



تصویر ۴: نقشه تبریز در سال ۱۰۵۲ هـ.ق که توسط رسامی به نام جوزف گریلو برای سفرنامه شاردن فرانسوی ترسیم شده و قسمت بزرگ‌نمایی شده‌ی مجموعه ارگ علیشاه (شاردن، ۱۳۳۵: ۳۳)

در دوره ایلخانی تاج‌الدین علیشاه با متمرکز کردن و هم‌نشینی عناصر نشانه‌ای؛ مسجد و خانقاه (قدرت مذهبی)، بناهای حکومتی و کاخ‌ها (قدرت سیاسی) و بازارها (قدرت اقتصادی) در ارگ علیشاه سعی در کم‌رنگ کردن عملکرد درخشان خواجه رشیدالدین و کسب مشروعیت در نزد سلطان و مردم را داشته است که با مرگ وی اقدامات او نیز ناتمام باقی ماند. ارکان اصلی قدرت - سیاسی، مذهبی، اقتصادی - در یک نظام ساختاری در مجموعه معماری ارگ علیشاه هم‌نشین شده‌اند و کلیت ساختار و شبکه قدرت را بازمی‌تابانند. در دوره صفوی فضای دینی و فرهنگی و ایدئولوژی کاملاً جدیدی بر جامعه حاکم می‌شود که حامل ارزش‌های متفاوتی است (گودرزی، ۱۳۸۷: ۵۹). شهر تبریز به‌عنوان بافت ارگ، موقعیت و اهمیت خود را به‌عنوان پایتخت از دست می‌دهد و آن را به قزوین و اصفهان واگذار می‌کند. به نظر می‌رسد هم‌زمان ارگ علیشاه در این دوره عناصر نشانه‌ای خود شامل قدرت سیاسی و قدرت مذهبی را به کاخ‌های قزوین و بعد اصفهان و از جمله مجموعه بناهای میدان نقش جهان اصفهان واگذار می‌کند.

پس از این تغییرات و با شروع جنگ‌های ایران و عثمانی، مجموعه علیشاه نقش و نماد قدرت نظامی به خود می‌گیرد. در این دوره تبریز همچنان دروازه ورود به ایران است و ارگ علیشاه به‌عنوان آستانه ورودی یک مملکت و نمادی از قدرت و برتری‌های نظامی است. این قدرت نظامی با جبران شکست‌ها از عثمانیان توسط شاه‌عباس اول به اوج خود می‌رسد و ارگ علیشاه در مرزهای غربی امپراتوری عثمانی به‌عنوان نماد قدرت دولت شیعی ایران می‌شود. در این دوره همزمان با سازگاری و توافق جریان‌های فکری و فقهی شیعه در سلطنت مشروعه (پولادی، ۱۳۹۸: ۱۳۴ - ۱۴۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۵: ۳۶۳ - ۳۸۱)، به‌نوعی مظاهر آن در عناصر شهری و معماری نیز ملاحظه می‌شود. قدرت سیاسی و مذهبی همچون دو گوشه‌ی یک مثلث در اصفهان و میدان نقش‌جهان به‌صورت مسجد شاه - مسجد شیخ لطف‌الله و کاخ عالی‌قاپو نمود یافته و گوشه دیگر مثلث شامل قدرت نظامی و دفاعی است که در محل جنگ‌های مداوم با عثمانیان، یعنی شمال غرب ایران و تبریز واقع شده و نماد تمام و کمال آن ارگ علیشاه بوده است. به‌این ترتیب مجموعه علیشاه که در دوره مغول تلاشی بود برای کسب مشروعیت و هویت از سوی مغولان و نشان دادن قدرت این قوم در جهان اسلام، در دوره صفوی به نماد تشیع و ایرانیت در مقابل عثمانی‌های اهل تسنن تبدیل شد. با استفاده از مکانیزم‌های روابط بینامتنی و هم‌نشینی و جان‌نشینی، این بده بستان و دگرگونی معنایی را می‌توان به‌صورت نظام‌مند و تحت قاعده‌ی رویکردهای معناشناسی و نشانه‌شناسی به‌صورت جدول زیر بیان کرد (جدول ۱).

جدول ۱: کنش‌های معنایی در ارگ علیشاه تبریز و نحوه تحولات بافتاری آن در دوره صفوی (منبع: نگارندگان،

۱۴۰۰)

متن	بافت زمانی	بافت موقعیتی	پیوندهای بینامتنی	بافت فرهنگی - اجتماعی	نشانی
ارگ علیشاه	صفویه	— در امتداد برج و باروهای شهر تبریز که موقعیت پایتختی خود را از دست می‌دهد.	— رابطه هم‌نشینی و جان‌نشینی — پیوند بینامتنی با کاخ‌های طهماسب در قزوین و مجموعه بناهای میدان نقش‌جهان اصفهان — مصادیق قدرت سیاسی و مذهبی در مجموعه نقش‌جهان. — مصادیق قدرت نظامی و امنیتی در ارگ علیشاه تبریز	— سازش اصول فقه با سلطنت مشروعه و غلبه آرمان‌های شیعی و ایرانی	— واگذاری نشانی قدرت سیاسی و مذهبی به کاخ‌های قزوین و مجموعه بناهای اصفهان — نمادی از قدرت و برتری نظامی — تبدیل به نماد ایرانیت و شیعه در مقابل عثمانی و تسنن



## ۷. اوضاع سیاسی تبریز در دوره قاجار

آقا محمد خان قاجار در سال ۱۲۰۵ ه.ق عازم آذربایجان شد و تبریز را ضمیمه متصرفات خود کرد (شمیم، ۱۳۷۵: ۷۶). ساخت باروی تبریز در اوایل دوره قاجار و پس از زلزله شدید سال ۱۱۹۴ ه.ق هم‌زمان با ساخت و تعمیر مجدد شهر توسط نجفقلی خان شروع شد و فرزندش علاوه بر تکمیل ساخت آن در زمان عباس میرزا (۱۱۲۴ ه.ق)، خندقی نیز بر اطراف حصار حفر کرد (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۱۹۹). کارهای عمرانی در زمان ولیعهدی عباس میرزا ادامه داشت؛ او منازل، قورخانه، کارخانه توپ‌ریزی، مخازن مهمات و مغازه‌هایی در تبریز بنا کرد (سپهر، ۱۳۷۷: ۱۰۲).

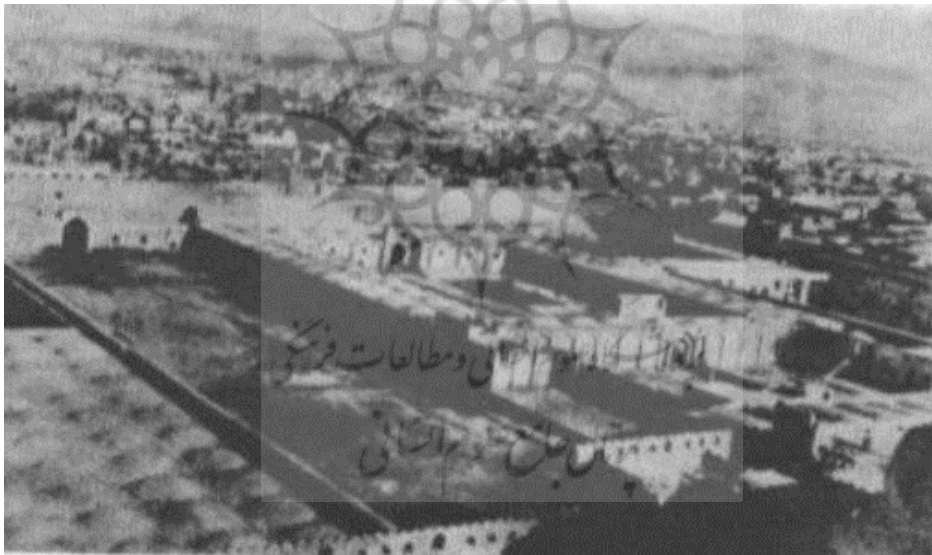
جنگ‌های مداوم با روس‌ها با عقد قراردادهایی بین دو کشور شامل گلستان (۱۲۲۸ ه.ق) و ترکمانچای (۱۲۴۳ ه.ق) و تعیین رود ارس به‌عنوان مرز متوقف شد (شمیم، ۱۳۷۵: ۵۷). از وضعیت شهر تبریز در اواخر قرن ۱۹ اطلاعات جامعی در دست نیست. در اوایل قرن ۲۰ و از سال ۱۹۰۴ م به بعد اوضاع شهر آشفته و البته هیجان‌انگیز بود. در این دوره ستارخان و باقرخان در جنبش ملی و انقلاب مشروطه نقش مهمی بازی کردند. در سال ۱۳۲۶ ه.ق / ۱۹۰۹ م قشون روس وارد تبریز شد و جنگ‌های شدیدی بین روس‌ها و فدائیان تبریزی در گرفت و تا آرام شدن اوضاع سیاسی شهر در سال ۱۹۱۹ م به مدت ده سال کم‌وبیش ادامه یافت (مینورسکی، ۱۳۸۹: ۶۸ - ۷۰). در این عهد و به‌خصوص سال ۱۳۲۶ ه.ق ارگ علیشاه سنگر مجاهدان و مأمنی امن برای یاران ستارخان و باقرخان در جنگ با دولت روسیه بود. این دو تمام تلاش خود را می‌کردند تا جاهای بلند از جمله ارگ علیشاه و مسجد کبود را در اختیار داشته و از آن به‌عنوان سنگر استفاده کنند (کسروی، ۱۳۹۸: ۶۹۲ - ۷۱۰) (تصویر ۵).



تصویر ۵: دسته‌ای از مجاهدین در حیاط ارگ علیشاه (منبع: آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی)

## ۷-۱. جایگاه نظامی - امنیتی ارگ علیشاه در دوره قاجار

متون تاریخی دوره قاجاریه بر ارگ و قلعه بودن علیشاه در این عصر صحنه می‌گذارند؛ نویسنده کتاب «ناسخ‌التواریخ: تاریخ قاجاریه» می‌گوید: «...آقا محمدخان قاجار در اولین ورودش به تبریز وارد ارگ شهر شد و در آنجا اقامت گزید ...». (سپهر، ۱۳۷۷: ج ۱: ۵۷). این اولین کاربرد واژه‌ی «ارگ» برای مجموعه علیشاه می‌باشد. به گفته نویسنده «مرات البلدان» در آغاز دوره قاجار، ساختمان‌های دولتی و نظامی در این محل ساخته شد که تعداد آن به بیش از ۲۰ مورد می‌رسد. حتی کاخ ولیعهد نیز در این محل احداث شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳۴۴). نویسنده سفرنامه بارون به ارگ اشاره کرده و در مورد برج بلند، انبار مهمات و کارخانه‌ای که عباس میرزا در آنجا احداث کرده، توضیحاتی می‌دهد (فیودور کوف، ۱۳۷۲: ۹۲). جهانگیر میرزا نیز در اثر خود تاریخ نو (۱۲۶۷ ه.ق) به سقوط تبریز به دست ارتش روسیه و استقرار توپ‌های روس‌ها در بالای ارگ اشاره می‌کند (جهانگیر میرزا قاجار، ۱۳۲۷: ۹۰). اعتمادالسلطنه نیز در مورد مکان قورخانه و کارگاه‌های ساخت ابزارآلات جنگی در ارگ علیشاه صحبت کرده (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۵۵۲) و نادر میرزا ارگ علیشاه را اسلحه‌خانه‌ی دولت نامیده است (نادر میرزا، ۱۳۷۳: ۱۴۲) (تصویر ۶).



تصویر ۶: ساختمان مهمات‌سازی در محوطه ارگ علیشاه در دوره قاجار (منبع: آرشیو سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی)

در شروع جنگ‌های ایران و روسیه به سال ۱۲۱۹ ه.ق (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۱۳) نقشه‌هایی از شهر تبریز توسط روس‌ها تهیه شده که همگی کاربرد نظامی داشته‌اند و ارگ علیشاه از عناصر اصلی نظامی و امنیتی شهر در همه نقشه‌ها حضور دارد. یکی از مهم‌ترین این نقشه‌ها توسط کولو کولوف

مامونتوف در سال ۱۲۴۲ ه.ق / ۱۸۲۷ م ترسیم شده که استحکامات دفاعی شهر تبریز و از جمله ارگ علیشاه را در امتداد برج و باروی شهر نشان می‌دهد. (تصویر ۷).



تصویر ۷: استحکامات، حصار دور شهر، دروازه‌ها و ارگ علیشاه در دوره قاجار، ۱۲۴۲ ه.ق (منبع: پورحسین خونیق، ۱۳۸۴: ۳)

کاوش‌های باستان‌شناسی دهه ۵۰ شمسی نیز سازه‌های نظامی و ادوات جنگی دوره قاجاریه ارگ علیشاه را در کنار آثار دوره ایلخانی مشخص کرده است؛ بقایای انبارهای به‌دست‌آمده و داغ‌های روی دیوارهای آن‌ها نشان می‌دهد که از مصالح فروریخته‌ی بناهای ایلخانی ساخته شده‌اند و کاربری سربازخانه داشته‌اند (آجرلو، ۱۳۹۲: ۳۰). در میانه انتهای شمالی دیوار غربی آثار انباری و عمارت کلاه‌فرنگی به دست آمد. ابعاد انباری به  $۳/۱۸ \times ۶/۲$  متر و ارتفاعش به  $۳/۲$  متر (بقایای باقی‌مانده) می‌رسید. در دوره قاجار با ساخت دیوارکی در پشت‌بام بنای ارگ محل‌هایی برای تیراندازی و دیده‌بانی ایجاد کرده‌اند (منصوری و آجرلو، ۱۳۸۲: ۶۶ - ۶۷). (تصویر ۸).





تصویر ۸: بازمانده‌ی سربازخانه‌ی قاجاری (بالا) و بقایای کارگاه توپ‌ریزی عهد قاجاری ارگ علیشاه تا دهه ۵۰ شمسی (پائین) (منبع: آجرلو، ۱۳۹۲: ۳۰)

در نزدیکی محراب ارگ علیشاه چاه‌های آب هم کشف شد که در واقع آب مصرفی پادگان را تأمین می‌کرده است. در محوطه ارگ آثاری از کوره‌های آهنگری مکعب‌شکل کشف شد که تعدادشان به عدد ۵ می‌رسید. وجود انبارهای زیرزمینی برای تولید گلوله‌ها و ادوات جنگی در بیرون دیوارهای شمالی ارگ علیشاه نشان داد در این کوره‌ها گلوله‌های توپ برای استفاده در جنگ‌های سپاه عباس میرزا و روسیه تزاری تولید می‌شده است (سرفراز، ۱۳۶۱) (تصویر ۹). گفتنی است بسیاری

از بقایای قاجاری ارگ علیشاه طی سیاست‌های فرهنگی عهد پهلوی اول و همچنین مرمت‌های دهه‌ی ۶۰ شمسی و مرمت به شیوه پاک‌سازی سبکی، حذف و نابود شدند (آجرلو، ۱۳۹۲: ۳۶).



تصویر ۹: بقایای کوره‌های آهنگری قاجار (سمت راست) و قالب‌های ریخته‌گری عهد قاجاری در ارگ علیشاه تا سال ۵۰ شمسی (منبع: آجرلو، ۱۳۹۲: ۳۱)

با توجه به آن چه که آمد در دوره صفوی بازنمودهای قدرت سیاسی و مذهبی ایران، مجموعه بناهای اصفهان است و ارگ تبریز دارای نقش جدید بازنمود قدرت نظامی است. در این دوره ارگ تبریز نقشی کاملاً نظامی و امنیتی دارد و در واقع مدافع آرمان‌های شیعی و سلطنت مشروع صفویان در برابر جهان تسنن امپراتوری عثمانی است. در دوره قاجار با حملات روس‌ها از شمال غرب، شهر تبریز در کنار شهر تهران به‌عنوان پایتخت، اهمیت سیاسی یافته و ارگ نیز به‌تبع از آن دارای نشانگی قدرت سیاسی و همچنین قدرت نظامی و نمادی از مجاهدات ملی می‌شود و به بیان روابط بینامتنی و دلالت معنایی، ارگ علیشاه (با احداث کاخ ولیعهدی عباس میرزا در محوطه ارگ) در قدرت سیاسی وارد رابطه همنشینی با مرکز حکومت یعنی تهران می‌شود و مانند دوره صفوی همچنان نشانگی قدرت نظامی - امنیتی خود را حفظ می‌کند. (جدول ۲).

جدول ۲: کنش‌های معنایی در ارگ علیشاه تبریز و نحوه تحولات بافتاری آن در دوره قاجار (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰)

متن	بافت زمانی	بافت موقعیتی	پیوندهای بینامتنی	بافت فرهنگی - اجتماعی	نشانگی
ارگ علیشاه	قاجاریه	در مرکز شهر تبریز به‌عنوان دومین شهر مهم سیاسی ایران پس از تهران	- رابطه همنشینی قدرت سیاسی: کاخ‌های سلطنتی تهران + کاخ ولیعهد در مجموعه علیشاه	فضای متشنج، جنگ با روس‌ها، پیشرفت و مدرنیزه شدن اروپا هم‌زمان با سنت‌گرایی ایران	- نماد و نشان مقاومت ملی ایران در برابر حملات روس - مکانمند شدن و افزایش حس مکان - تداعی گر مجاهدت‌های یک ملت و در نتیجه تجزیه‌ی بخشی از خاک کشور

## ۸. نتیجه‌گیری

بسیاری از مفاهیم و معانی فرهنگی، سیاسی، نظامی و ... در دوران پس از آفرینش متن (در این پژوهش ارگ علیشاه) و در فرایند تماس و ارتباط مخاطبان و مردم زمان مورد مطالعه با آن آثار شکل گرفته، تأثیر خود را نهاده و در بسیاری از موارد پنهان می‌ماند. این دگرگونی‌های معنایی از دسترس بانیان و معماران اولیه بنا خارج است؛ اما با کاربری رویکردهای معناشناسی، استخراج نظام‌مند آن معانی و مفاهیم امکان‌پذیر است. ارگ علیشاه تبریز بهترین نمونه برای مطالعه دگرگونی‌های معنایی یک متن معماری است که از زمان احداث آن در دوره ایلخانی تا حال حاضر کارکردهای مختلفی داشته و مفاهیم گوناگونی به خود گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بار معنایی نظامی‌گری و امنیتی در دو دوره صفویه و قاجاریه در ارگ علیشاه به تبعیت از بافت زمانی و مکانی آن به اوج خود رسته و متون (سایر آثار معماری نظامی) دیگر را تحت شعاع قرار می‌دهد. با اتکا بر تحلیل‌های صورت گرفته از اسناد و مدارک تاریخی (سفرنامه‌ها، متون تاریخی، نقشه‌های نظامی برجای‌مانده و بازشناسی حصارها و باروهای شهر) و داده‌های به‌دست‌آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی (انبارهای مکشوفه با کاربری سربازخانه، محل‌های مخصوص تیراندازی و دیده‌بانی، بقایای کارگاه‌های اسلحه‌سازی و توپ‌ریزی، کوره‌های آهن‌گری و قالب‌های ریخته‌گری) می‌توان گفت در دوره صفوی و در پی تحولات سیاسی و اجتماعی، ارگ علیشاه نشانگر قدرت سیاسی و مذهبی را به کاخ‌های قزوین و مجموعه بناهای نقش جهان اصفهان واگذار می‌کند و تبدیل به نمادینگی قدرت نظامی، ایرانیت و شیعی‌گری در مقابل عثمانی‌ها می‌شود. نحوه‌ی آرایش مذکور در واقع مصداق سازش و توافق فقه و قدرت سیاسی و به رسمیت شناخته شدن سلطنت مشروطه در جهان‌بینی جامعه صفوی است. در دوره قاجار ارگ علیشاه سنگر سربازان عباس میرزا و مجاهدان ستارخان و باقرخان علیه روس‌ها بود و به‌نوعی نماد و نشان مقاومت و دفاع ملی در این دوره محسوب می‌شود. مقاومتی که با شکست از روسیه تزاری و تجزیه ایران همراه بود. به‌این ترتیب ارگ علیشاه دوره قاجار تداعی‌گر مقاومت‌ها در برابر دشمن و همچنین از دست رفتن قسمت‌هایی از خاک ایران طی عهدنامه‌های منعقدشده این دوره است که در حافظه جمعی و تاریخی ماندگار شده است.

در پایان می‌توان گفت مطالعات معناشناسانه و یا استفاده از رویکردهای جامعه‌شناسی هنر در آثار معماری سایر مناطق به‌صورت تکنگاری (مونوگرافی)، می‌تواند زوایای جدیدی از موضوعات به ویژه مفاهیم مربوط به نظامی‌گری و انتظامی را پیش‌روی محققین قرار دهد.

## منابع

- آجرلو، بهرام (۱۳۸۰). *معماری ایلیخانی آذربایجان: پژوهشی در ارگ تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- آجرلو، بهرام؛ نعمتی، علی (۱۳۹۲). «حذف هویت قاجاری ارگ علیشاه تبریز با مرمت به شیوه پاک‌سازی سبکی»، *باغ نظر*، سال ۱۰، شماره ۲۷، صص ۳۸ - ۲۷.
- آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور.
- آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی.
- آرتزنیول، استیون (۱۳۹۶). *مغول‌ها*. ترجمه محمد آقاجری، تهران: انتشارات سبزان.
- آزند، یعقوب (۱۳۸۰). *تاریخ ایران در دوره صفویه*. دانشگاه کمبریج، تهران: امیرکبیر.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد (۱۳۵۹). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *مراه البلدان*. به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اولیا چلیبی (۱۳۳۸). *سیاحت‌نامه*. ترجمه و تلخیص حاج حسین نخجوانی، تبریز: نشر شفق.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۴). «باغ صاحب آباد تبریز». *باغ نظر*، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۲ - ۳.
- برن، رهبر (۱۳۵۰). *نظام ایالات ایران در عصر صفوی*. ترجمه کیکاوس جهاننداری، ج ۱، تهران: نشر کتاب.
- بلان، لوسین لویی (۱۳۷۵). *شاه‌عباس*. ترجمه ولی الله شادان، ج ۱، تهران: اساطیر.
- بیلیان اصل، لیلان (۱۳۹۵). «ساختار فضایی شهر تبریز در دوره صفوی با مقایسه تطبیقی سفرنامه‌ها و اسناد تصویری». *باغ نظر*، سال ۱۳، شماره ۳۸، صص ۴۷ - ۶۰.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۶۹). *ریشه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق*. ج ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پورحسین خونیق، ابراهیم (۱۳۸۴). *تبریز به روایت تصویر*. ج ۱، تبریز: نشر اختر.
- پولادی، کمال (۱۳۹۸). *تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام*. ج ۷، تهران: نشر مرکز.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۹). *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه حمید ارباب شیرانی، ج ۱، تهران: نشر نیلوفر.
- جنابدی، میرزا بیگ بن حسن (۱۳۷۸). *روضه الصفویه*. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- چندلر، دانیل (۱۳۹۷). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه مهدی پارسا، ج ۶، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- حقی، اسماعیل (۱۳۶۹). *تاریخ عثمانی*. ترجمه ایرج نوبخت، ج ۱، تهران: موسسه کیهان.
- خلیلی، نسیم (۱۳۹۶). *مغولان روایتی دیگر*. ج ۱، تهران: شرکت نشر نقد افکار.
- خواندامیر، گیات‌الدین (۱۳۸۰). *حبیب السیر فی تاریخ افراد البشر*. تصحیح سید محمود دبیر سیاقی و جلال‌الدین همائی، تهران: نشر خیام.
- خیری، سیروس؛ صدراپی، علی (۱۳۸۱). *ارگ علیشاه اثری ماندگار*. تبریز: انتشارات مهد آزادی.
- ذکاء، یحیی (۱۳۵۹). *زمین‌لرزه‌های تبریز*. ج ۱، تهران: نشر کاویان.
- ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹). *معاکوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*. ج ۱، تهران: نشر علم.

سپهر، میرزا محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۷۷). *ناسخ‌التواریخ، تاریخ قاجاریه*. به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران: انتشارات اساطیر.

سجودی، فرزانه (۱۳۹۸). *نشانه‌شناسی کاربردی*. چ ۶، تهران: نشر علم.

سجودی، فرزانه (۱۳۹۷). *مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر*. چ ۳، تهران: ترجمه و نشر آثار هنری متن.

سرفراز، علی‌اکبر (۱۳۶۱). *گزارش کاوش در محوطه مسجد جامع علیشاه تبریز*. آرشیو سازمان میراث فرهنگی کشور.

شکاری نیری، جواد (۱۳۸۲). «بازشناسی ارگ علیشاه تبریز و کاربرد اصلی آن»، *نشریه هنرهای زیبا*، سال ۷، شماره ۱۶، صص: ۶۸ - ۵۷.

شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۵). *ایران در دوره قاجاریه*. چ ۷، تهران: ابن‌سینا.

شولتز، کریستیان نوربری (۱۳۸۷). *معنا در معماری غرب*. ترجمه مهرداد قیومی بیدهنی، چ ۲، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.

صفوی، کوروش (۱۳۹۷). *درآمدی بر معناشناسی*. چ ۶، تهران: سوره مهر.

طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۵). *مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی*. چ ۱، تبریز: ستوده.

طباطبائی، جواد (۱۳۹۵). *تاریخ اندیشه سیاسی در ایران: ملاحظات در مبانی نظری*. چ ۲، تهران: انتشارات مینوی خرد.

غفار قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۲). *تاریخ جهان‌آرا*. چ ۱، تهران: کتاب‌فروشی حافظ.

کز، اشرفیان، مراد، آروندا (۱۳۵۹). *دولت نادرشاه افشار*. ترجمه حمید مؤمنی، چ ۳، تهران: شبگیر.

کارری، جملی (۱۳۴۸). *سفرنامه کارری*. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

کسروی، احمد (۱۳۹۸). *تاریخ مشروطه*. چ ۱۱، تهران: موسسه انتشارات نگاه.

کنتارینی، باربارو؛ زنو؛ دالساندری (۱۳۸۱). *سفرنامه ونیزیان در ایران*. ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.

گراهام، آلن (۱۳۸۵). *بینامتنیت*. ترجمه پیام یزدانجو، چ ۱، تهران: نشر مرکز.

گودرزی، حسین (۱۳۸۷). «کارکرد هویت‌بخش مذهب شیعه در دوره صفویه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۹، شماره ۴، صص ۴۵ - ۷۲.

گیرو، پی‌یر (۱۳۹۹). *نشانه‌شناسی*. ترجمه محمد نبوی، چ ۴، تهران: نشر آگه.

لارودی، نورالله (۱۳۷۰). *زندگانی نادرشاه پسر شمشیر*. چ ۱، تهران: ایران‌زمین.

مرادی، امین؛ عمرانی، بهروز (۱۳۹۵). «بازشناسی ساختار معماری مسجد علیشاه تبریز در تداوم جنبش بزرگ‌مقیاس‌سازی دوره ایلخانی»، *مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی*، سال ۱، شماره ۲،

صص ۲۳ - ۳۳.

مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی‌بکر (۱۳۳۶). *نزهة‌القلوب*. به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: طهوری. مشکور، محمدجواد (۱۳۵۲). *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.



مطراق چی، نصح(۱۳۷۹). *بیان منازل*. ترجمه و تعلیق رحیم رئیس‌نیا، چ ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

ملکوتی، مسلم(۱۳۶۴). *مسجد مسجد شد*. ج ۱ و ۲، چ ۱، قم: کتابخانه دانشگاه قرآن و حدیث.

منشی، اسکندریبگ(۱۳۷۷). *تاریخ عالم آرای عباسی*. تهران: دنیای کتاب.

منصوری، سیدامیر؛ آجلو، بهرام (۱۳۸۲). «بازشناسی ارگ علیشاه تبریز و کاربرد اصلی آن»، *هنرهای زیبا*، سال ۱۶، شماره ۱۶، صص ۵۷ - ۶۸

میرزا محمدتقی لسان الملک سپهر(۱۳۳۷). *ناسخ التواریخ: تاریخ قاجاریه*. چ ۱، تهران: امیرکبیر.

مینورسکی، ولادیمیر(۱۳۸۹). *تاریخ تبریز*. ترجمه عبدالعلی کارنگ، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ ۲، تبریز: انتشارات آیدین.

نادر میرزا(۱۳۷۳). *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز (۱۳۰۳ ق)*. به تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: چاپ گلشن.

نوایی، عبدالحسین؛ غفاری فرد، عباسقلی(۱۳۸۱). *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ایران در دوره صفویان*. تهران: سمت.

ویلبر، دونالد(۱۳۶۵). *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان*. ترجمه عبدالله فریار، چ ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

هرمان، جورجینا(۱۳۸۷). *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*. ترجمه مهرداد وحدتی، چ ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

*Eco, Umberto (1979). A Theory of Semiotics. London: Macmillan: Bloomington. Indiana University Press.*

*Johansen J.Dines & Larsen S. Eric (2002), signs in Use. An introduction to semiotics trans by D.L. Gorlee & G. Irons. Routledge, London.*

*Morris, C.W (1971), writing on the General theory of sings, outon, Den Haag.*

*-Pope, A.U (1969), Persian Architecture, Pahlavi University Press.*

*Qiyasi, C (1997), Memar xaca Alishah Tabrizi: Dovru & Yaradiciligi, Baku.*

Research Article

***The Military Security position of Tabriz's Alisha Citadel in the Safavid and Qajar eras and the functional and semantic transformation of the Buildings***

**Farzad Faizi<sup>1</sup>, Habib Shahbazi Shiran<sup>2</sup> AND Sara Sadeghi<sup>3</sup>**

Date of received: 2022/03/30

Date of Accept: 2022/05/15

**Abstract**

*The study of the military architecture of the Safavid era and especially the Qajar period has been lacking and has not been paid much attention by researchers. Many architectural works, with the passage of time and in later periods with functional changes, take on new concepts and find a new nature. The Alishah Citadel of Tabriz, the building of Setreg Ilkhani, is a clear example of such buildings that were used for military purposes during the Safavid and Qajar eras following the structural changes that occurred. The current research seeks to answer the question, what was the military and security position of the Alisha Citadel in the spatial structure of Tabriz during the Safavid and Qajar eras, and what changes in meaning did the contextual changes of the modern era create in the citadel? The research method is descriptive-analytical and the data has been collected in the form of library, documents and close observations. Semantic mechanisms have also been used in the analysis and summarization of the findings. The results of the research show that Alisha Citadel in the Safavid period, according to the text of travelogues, surviving military maps and the limits of the city's fences and ramparts, was a virtual representation of the military and security power and Shiism against the Ottomans, and in the Qajar period, with the construction of the structure New military facilities in it, such as barracks, special shooting and observation areas, weapon and artillery workshops, and forges, have become a symbol of resistance and national defense against the attacks of Tsarist Russia.*

**Keywords:** *Military architecture, Safavid and Qajar era, Alisha citadel, semantics.*

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Faizi, Farzad; Shahbazi Shiran, Habib; Sadeghi, Sara (2022). "The Military Security position of Tabriz's Alisha Citadel in the Safavid and Qajar eras and the functional and semantic transformation of the Buildings". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 5, Num. 2, S.No. 18, pp. 15 - 42.

<sup>1</sup>. PhD student, Department of Archaeology, Faculty of Social Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran (corresponding author). Email: farzadfeyzi92@gmail.com

<sup>2</sup>. Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Social Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. Email: habibshahbazi35@gmail.com

<sup>3</sup>. PhD student, Department of Archaeology, Faculty of Social Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. Email: s\_sadeghi809@yahoo.com

### Resources

- Ajarlo, Bahram (2008), *Patriarchal Architecture of Azerbaijan: A Research in Tabriz Citadel, Master's Thesis in Archaeology, University of Tehran, Faculty of Literature and Humanities. (in Persian)*
- Ajarlo, Bahram; Nemati, Ali (2012), *removing the Qajar identity of Tabriz's Alisha Citadel by restoring it in the style of stylistic cleaning, Bagh Nazar, year 10, number 27, pp. 27-38. (in Persian)*
- Archives of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of East Azarbaijan Province. (in Persian)
- Archives of the Organization of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of the country. (in Persian)
- Arterbull, Steven (2016), *The Mongols, translated by Mohammad Aghajari, first edition, Tehran: Sabzan Publications.*
- Azhand, Yaqub (2010), *History of Iran in the Safavid Period, Cambridge University, Tehran: Amirkabir. (in Persian)*
- Bani Masoud, Amir (2004), *Bagh Sahib Abad, Tabriz, Bagh Nazar, Volume 2, Number 4, pp. 3-12. (in Persian)*
- Belilan Assal, Leila (2015), *The spatial structure of Tabriz city in the Safavid period with a comparative comparison of travelogues and pictorial documents, Bagh Nazar, year 13, number 38, pp. 47-60. (in Persian)*
- Bern, Rehr (1350), *Iran's State System in the Safavid Era, translated by Kikaus Jahandari, 1st edition, Tehran: Eshar Kitab.*
- Blanc, Lucien Louis (1375), *Shah Abbas, translated by Valiullah Shadan, 1st edition, Tehran: Asatir.*
- Chandler, Daniel (2017), *Basics of Semiotics, translated by Mehdi Parsa, 6th edition, Tehran: Surah Mehr Publishing Company.*
- Eco .Umberto (1979). *A Theory of Semiotics. London: Macmillan: Bloomington .Indiana University Press.*
- Etimad al-Sultaneh, Mohammad Hasan Khan (1367), *Marah Al-Baldan, with the efforts of Abdul Hossein Navaei and Mirhashim Mohhaddes, Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)*
- Ghaffar Qazvini, Qazi Ahmed (1342), *Tarikh Jahanara, 1st edition, Tehran: Hafez bookstore. (in Persian)*
- Girou, Pierre (2019), *Semiotics, translated by Mohammad Nabovi, 4th edition, Tehran: Age Publishing House.*
- Graham, Alan (1385), *intertextuality, translation of Yazdanjo's message, 1st edition, Tehran: Nahr-e-Karzan. (in Persian)*
- Gudarzi, Hossein (2007), *the identity-giving function of Shia religion in the Safavid period, National Studies Quarterly, Year 9, Number 4, pp. 72-45. (in Persian)*
- Haghi, Ismail (1369), *Ottoman History, translated by Iraj Nobakht, 1st edition, Tehran: Kayhan Institute. (in Persian)*
- Herman, Georgina (1387), *The Revival of Art and Civilization in Ancient Iran, translated by Mehrdad Vahdati, 2nd edition, Tehran: Academic Publishing Center.*



- Ibn Battuta, Muhammad bin Abdullah bin Muhammad (1359), Ibn Battuta's travel book, translated by Mohammad Ali Mohd, Volume 1, Tehran: Book Translation and Publishing Company. (in Persian)*
- Janabadi, Mirza Bey bin Hassan (1378), Rouza al-Safawieh, by Gholamreza Tabatabai Majd, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation.*
- Johansen J.Dines & Larsen S. Eric (2002), signs in Use. An introduction to semiotics trans by D.L. Gorlee & G. Irons. Routledge, London.*
- K.Z., Ashrafian, M.R., Arunda (1359), Government of Nadershah Afshar, translated by Hamid Momeni, 3rd edition, Tehran: Shabgir.*
- Kantarini; barbaro Zeno; Dalsandri (1381), Venetian travelogue in Iran, translated by Manouchehr Amiri, Tehran: Khwarazmi.*
- Karri, Jamli (1348), Karri's travel book, translated by Abbas Nakhjovani and Abdul Ali Karang, Tabriz: General Department of Culture and Art of East Azerbaijan.*
- Kasravi, Ahmad (2018), Constitutional History, 11th edition, Tehran: Negah Publishing House. (in Persian)*
- Khairy, Cyrus; Sadraei, Ali (1381), Alisha Citadel is a lasting work, Tabriz: Mahd Azadi Publications. (in Persian)*
- Khalili, Nasim (2016), Mughalan another narrative, 1st edition, Tehran: Naqd Afkar publishing company. (in Persian)*
- Khwandamir, Ghiyath al-Din (1380), Habib al-Sir in the history of human beings, corrected by Seyyed Mahmoud Dabir Siyaghi and Jalal al-Din Homai, Tehran: Khayyam Publishing. (in Persian)*
- Larudi, Nurullah (1370), Life of Nadershah son of Shamshir, 1st edition, Tehran: Iranzmin. (in Persian)*
- Malkouti, Muslim (1364), Masjid became a mosque, Volumes 1 and 2, 1st edition, Qom: University of Qur'an and Hadith Library. (in Persian)*
- Mansouri, Sidamir; Ajarlou, Bahram (2012), Recognizing the Alisha Citadel of Tabriz and its main use, Fine Arts, Year 16, Number 16, pp. 57-68. (in Persian)*
- Mashkoor, Mohammad Javad (1352), History of Tabriz until the end of the 9th century Hijri, Tehran: Publications of the Association of National Monuments. (in Persian)*
- Matraqchi, Nasuh (1379), Bayan Manazal, translation and commentary by Rahim Raisnia, 1st edition, Tehran: Cultural Heritage Organization of the country. (in Persian)*
- Menshi, Skanderbeg (1377), Tarikh Alam Arai Abbasi, Tehran: Duniya Kitab. (in Persian)*
- Minorsky, Vladimir (1389), History of Tabriz, translated by Abdul Ali Karang, edited by Gholamreza Tabatabai Majid, 2nd edition, Tabriz: Aydin Publications.*
- Mirza Mohammad Taqi Lasan al-Mulk Sepehr (1337), Naskh al-Tawarikh: History of the Qajaria", Volume 1, Tehran: Amir Kabir. (in Persian)*
- Moradi, Amin; Omrani, Behrouz (2016), Recognizing the architectural structure of the Alishah Mosque in Tabriz in the continuation of the*

- large-scale movement of the Ilkhanid period, Archaeological Studies of the Islamic Era, Year 1, Number 2, pp. 23-33. (in Persian)*
- Morris, C.W (1971), *writing on the General theory of sings, outon, Den Haag.*
- Mostofi Qazvini, Hamdullah bin Abi Bakr (1336), *Nazhah-ul-Qulob, with the efforts of Mohammad Debir Siyaghi, Tehran: Tahuri. (in Persian)*
- Nader Mirza (1373), *History and Geography of Tabriz Darul Sultanah (1303), edited by Gholamreza Tabatabai Majd, Tabriz: Golshan Publishing. (in Persian)*
- Navaei, Abdul Hossein; Ghaffarifard, Abbasqoli (2012), *History of political, social and cultural developments in Iran during the Safavid period, Tehran: Samt. (in Persian)*
- Olya Chalabi (1338), *travelogue, translated and summarized by Haj Hossein Nakhjavani, Tabriz: Shafaq Publishing. (in Persian)*
- Parsadoost, Manouchehr (1369), *Historical roots of the conflict between Iran and Iraq, 3rd edition, Tehran: Publishing Company. (in Persian)*
- Poladi, Kamal (2018), *History of Political Thought in Iran and Islam, 7th edition, Tehran: Central Publishing House. (in Persian)*
- Pope, A.U (1969), *Persian Architecture, Pahlavi University Press.*
- Pour Hossein Khoniq, Ibrahim (1384), *Tabriz according to the image, 1st edition, Tabriz: Akhtar Publishing House. (in Persian)*
- Qiyasi, C (1997), *Memar xaca Alishah Tabrizi: Dovru & Yaradiciligi, Baku.*
- Safavi, Korosh (2017), *An introduction to semantics, 6th edition, Tehran: Surah Mehr. (in Persian)*
- Sarfaraz, Aliakbar (2011), *report of exploration in Alishah Jame Mosque, Tabriz, Archives of Cultural Heritage Organization of the country. (in Persian)*
- Sassani, Farhad (1389), *semantic analysis: towards social semiotics, 1st edition, Tehran: Nash Alam. (in Persian)*
- Sepehr, Mirza Mohammad Taqi Lasan al-Mulk (1377), *Naskh al-Tawarikh, Qajar History, by Jamshid Kianfar, Tehran: Asatir Publications. (in Persian)*
- Shamim, Ali Asghar (1375), *Iran in the Qajar period, 7th edition, Tehran: Ibn Sina. (in Persian)*
- Shekari Neiri, Javad (2012), *Recognizing the Alisha Citadel of Tabriz and its main use, Fine Arts Magazine, Year 7, Number 16, pp: 57-68. (in Persian)*
- Shultz, Christian Norbari (2007), *Meaning in Western Architecture, translated by Mehrdad Qayyomi Bidhani, 2nd edition, Tehran: Farhangistan Honar Publications.*
- Sojodi, Farzan (2017), *collection of articles of the first semiotics of art, 3rd edition, Tehran: translation and publication of text artworks. (in Persian)*
- Sojodi, Farzan (2018), *Applied Semiotics, 6th edition, Tehran: Alam Publishing. (in Persian)*

- Tabatabaei, Javad (2015), History of Political Thought in Iran (Notes on Theoretical Foundations), 2nd Edition, Tehran: Minoy Khord Publications. (in Persian)*
- Tabatabaei, Seyedjavad (2005), Tabriz School and the Basics of Modernism, 1st edition, Tabriz: Sotoudeh. (in Persian)*
- Tavernier, Jean-Baptiste (1389), Tavernier's travel book, translated by Hamid Arbab Shirani, 1st edition, Tehran: Nilofar Publishing.*
- Wilber, Donald (1365), Islamic Architecture of Iran in the Ilkhanate Period, translated by Abdullah Faryar, 2nd edition, Tehran: Scientific and Cultural Publications.*
- Zaka, Yahya (1359), Earthquakes of Tabriz, 1st edition, Tehran: Kavian Publishing. (in Persian)*



پروفیسر کاہنشاہ علوم اسلامی و مطالعات قرآنی

برائے جامع علوم اسلامی